

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۴۷

ایسکرا

تلفن تماس با ما Tel:0046720077654

۹ مهر ۱۳۹۳، ۱ اکتبر ۲۰۱۴

سردبیر عبدال گلپریان

پیشنهاد "احمقانه" دانشجوی بسیجی در دیواندره



نسان نودینیان

دانشجویان برای ثبتنام به دانشگاه
صفحه ۳

فرماندار مزدور دیواندره - بهرام فاتحی - ومسئولینی که فشار بر ثبت نام کنندگان در دانشگاه پیام نور را عملی میکنند در قبال مزدوری اشکار برای جمهوری اسلامی باید جوابگو باشند.

شهر دیواندره، دانشگاه پیام نور دیواندره طی دستورالعملی اعلام کرده، در صورت نام نویسی در سازمان بسیج، دانشجو برای سال تحصیلی جدید می پذیرند. طی روزهای گذشته هنگام مراجعه



فرماندار مزدور دیواندره - بهرام فاتحی



اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

تهیه و تنظیم: یدی محمودی
yadi.mahmodi@gmail.com

و با تعدادی از آوارگان جنگ با داعش دیدار و گفتگو کرد. این دیدار به دنبال دیدارهای چند روز گذشته حیدر عبادی نخست وزیر عراق، اوسامه نوجینی معاول رئیس جمهور و عمار حکیم رئیس انجمن اسلامی

صفحه ۸

دیدار صالح موتلگ معاون نخست وزیر عراق از اقلیم کردستان!

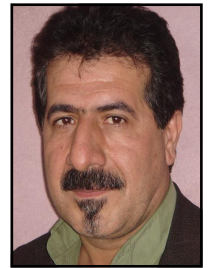
روز ۲۷ سپتامبر صالح موتلگ معاون نخست وزیر عراق وارد اقلیم کردستان شد و با مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان دیدار و گفتگو کرد. همچنین او وارد شهر دهوک شد

بحران خاور میانه، جنبش اسلام سیاسی، زمینه ها و راه حلها

نقش آفرینی جنبش اسلام سیاسی گسترده است. این جنبش و خطرات آن اگر چه مرکز ثقل اش در کشورهایی از خاور میانه و آفریقا است اما دامنه و خطراتش جهانی است.

جنبش اسلام سیاسی در دهه هفتاد میلادی به عنوان یک پدیده از گور برخاسته وارد معادلات سیاسی اواخر قرن بیستم شد. در متن رقابتهای جنگ سرد، جریانات اسلامی افغانستان بوسیله آمریکا برای مقابله با نفوذ
صفحه ۲

دیگر نیروهای اسلامی تروریست در سوریه و عراق همزمان با اوضاع بحرانی منطقه، کل خاورمیانه را با صورت مسئله جدیدی مواجه کرده است. بحران لیبی و سر بر آوردن بوکو حرام در نیجریه و نقش تروریسم اسلامی در کشورهای آفریقایی و... گوشه های دیگری از همین بحران است که جنبش اسلام سیاسی با بازیگران جدید و قدیم جامعه بشری را با معضل و مشکل خطرناکی روبرو کرده است. ابعاد این بحران به اندازه دامنه و ابعاد



محمد آسنگران

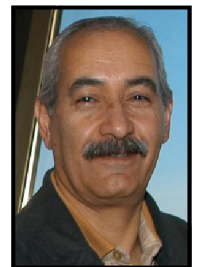
تعمیق و گسترش سناریوی سیاه عراق و سوریه بحران خاور میانه را وارد فاز جدید و خطرناکی کرده است. عروج داعش و نقش

یک سوال از عبدال گلپریان

سلفی ها که به عناوین مختلف ابراز وجود کرده اند دارید؟ آیا نمیتوان جدا از اعتراضات عمومی، با تشکیل گروهها و دسته های مختلف به مقابله با ابراز وجود این جانوران در کردستان پرداخت و از اقدامات ضد انسانی شان جلوگیری کرد؟ بطور مشخص رهنمود شما به فعالین حزب، رهبران و فعالین جنبش های اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری در شهرهای کردستان در این مورد مشخص چیست؟
صفحه ۳

اطلاعات موثق در ایران و بخصوص در کردستان ایران هم به شکلهای مختلف ابراز وجود کرده اند و حتی نیرو جمع کرده اند و به سمت سوریه و عراق روانه شده اند.

سوال اینست با توجه به جنبش عظیمی که در کردستان ایران برای کمک به شنگال و کوبانی در جریان بود و هست و مردم تنفر خود را از این جریان ارتجاعی و ضد انسانی ابراز داشته اند، شما بعنوان شخصیتهای کمونیست و شناخته شده این جامعه چه رهنمود هایی برای مقابله با طرفداران داعش و



په حسینیی: همچنانکه میدانید داعش بعنوان یک نیروی اسلامی دارد در عراق و سوریه به وجشبیانه ترین شیوه ها آدمکشی میکند. طرفداران این نیروی جانی و دشمن انسان در سطح جهان به نامها و شکلهای مختلف برایش تبلیغ و نیرو جمع میکنند. طبق

نگاه هفته: مجموعه ای از اخبار و رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

صفحه ۴

نسان نودینیان - نسرین رمضانلی

صفحه ۶

به آفتاب سلامی دوباره خواهیم کرد! مینا احدی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بحران خاور میانه، جنبش اسلام سیاسی...

شوروی سازمان داده و تقویت شدند. اما با قدرتگیری نمایندگان این جنبش در ایران و کسب قدرت دولتی در یکی از کشورهای مهم خاورمیانه، امکان و توان گسترش این جنبش در متن فضای بعد از پایان جنگ سرد که تحت عنوان شکست کمونیسم و پیروزی بازار آزاد جشن گرفته شد، به سرعت رو به گسترش نهاد.

از این مقطع به بعد در کشورهای اسلام زده خاورمیانه و آفریقا و حتی در میان جامعه مهاجرین آمریکا و اروپا این جنبش برابری فعالیتش افزود و روند عروجش آغاز شد. چنانچه در ابعادی وسیع وارد رقابت و سهم خواهی با رقبای خود شد. کانونهای بحران خاورمیانه مانند فلسطین و حمایت غرب از اسرائیل و بی افقی بورژوازی جهانی و حمایت مستقیم و غیر مستقیم دولت‌های غربی از جریانات اسلامی از یک طرف و غیبت قدرتمند و توده ای چپ از طرف دیگر، جریانات منبعت از جنبش اسلام سیاسی بیش از پیش گسترش یافتند.

در متن تحولات خاورمیانه اکنون بحران عراق و سوریه با عروج جریانات اسلامی تروریست به موضوع حاد و خطرناکی تبدیل شده است. این بحران نه تنها دولتهای منطقه و قدرتهای جهانی بلکه همه نیروهای جنبش اسلام سیاسی را به تحرك واداشته است. درآغاز عروج جنبش اسلام سیاسی، موضوع جنایات اسرائیل در فلسطین و مقابله با نفوذ شوروی در افغانستان کانونهای اصلی بحران منطقه را تشکیل میدادند. اما امروز بحران عراق و سوریه و توحش تروریستهای اسلامی در ابعادی بسیار وسیعتر توجه جهانیان را به خود جلب کرده است و معضل فلسطین و افغانستان را به حاشیه رانده است.

نیروها و جریانات جنبش اسلام سیاسی اکنون افسار گسیخته با گسترش سر بردن و خونریزی و راه انداختن بازار خرید و فروش زن همانند پیشینیان خود در صدر اسلام، تلاش میکنند با ایجاد رعب و وحشت فرهنگ و سنت و مناسبات قرون وسطایی را در جامعه به امری عادی تبدیل کنند.

این جنبش اگر مهار نشود بیش از این دنیا را به قهقرا خواهد برد. جریانات اسلام سیاسی هنگامیکه در مقابل خالقان خود (قدرتهای غربی) قد علم کردند، رقابت و جنگ این دو قطب آغاز شد. جنگ دو قطب تروریستی ابعادی جهانی به خود گرفت و سیاست و قوانین را در یک بعد وسیع به قهقرا برد.

در متن بی افقی بورژوازی جهانی و غیبت نیروی سازمان یافته و قدرتمند چپ و آزادخواه، زمینه رشد و گسترش جنبش اسلام سیاسی ابعاد تازه ای به خود گرفت. بویژه بعد از شکست آمریکا در عراق و افغانستان، انوریته سیاسی و نظامی پرچمدار نظم نوین جهانی زیر سوال رفت. چنانچه دیکتاتورهای متحد غرب مانند عربستان، کویت و قطر و ترکیه و... اکنون در رقابت با جنبش اسلام سیاسی نوع شیعه به حامیان اصلی تروریستهای اسلامی شاخه سنی این جنبش تبدیل شده و با گسترش توحش و بیرحمی از رقیب شیعه خود پیشی گرفته اند. بحران منطقه قبالا با جنگ دو قطب تروریستی شناخته میشود. امروز مردم جهان از یک طرف با دوجبهه ارتجاع اسلام سیاسی شیعه و سنی که در رقابت با هم بسر میبرند و از طرف دیگر با عروج دوباره روسیه و رقابت با غرب دنیا وارد فاز و بحران دیگری شده است. این رقابتها و سهم خواهی ها بحران خاورمیانه و کشورهای اسلام زده را پیچیده تر کرده است.

شکست سیاستهای آمریکا در منطقه و کنار آمدن آمریکا و غرب در قبال جنایات بی شمار و سرکشیهای جمهوری اسلامی، با عث شد که دولتهای دوست و مطیع آمریکا در منطقه به فکر دخالتگری و سهم خواهی خود خارج از چهارچوبهای مورد توافق با آمریکا برآیند. این يك تحول تازه است که ابعاد و عمق بحران منطقه را بیشتر کرده است. سر بر آوردن داعش و جریانات اسلام سیاسی نوع سنی اگر چه بر متن و شرایطی اتفاق افتاد که آمریکا و متحدینش در عراق و افغانستان و سوریه ایجاد کردند، اما عروج و قدرتگیری سریع آنها در عراق و سوریه حاصل سهم خواهی دیکتاتورهای متحد غرب و رقابت

آنها با شاخه شیعه این جنبش است. نیرویی که امروز داعش نامیده میشود و سر میبرد و تجاوز میکند و بازار خرید و فروش زن و تجاوز به زن و کودک راه انداخته است، قبلا در سوریه و در زیر بیرق ارتش آزاد سوریه و با کمک دولتهای غربی و متحدین منطقه ای آنها در رقابت با جنایات اسد و جمهوری اسلامی هم سرمی بردند و جنایت خلق میکردند. آن هنگام همین جانبان اسلامی از منظر غرب "رزمندگان آزادی سوریه" نام گرفتند و امروز تروریست داعشی و دولت خلافت اسلامی نام دارند.

بنابراین جنبش اسلام سیاسی برای این ساخته نشد که غرب گویا بعد از بلوک شرق به دشمن دیگری احتیاج داشت و میخواست کیسه بکسی به اسم اسلام سیاسی را در مقابل خود سازمان بدهد. تمام فاکتورهای عینی و سیاسی نشان میدهند که غرب با استفاده از نیروهای جنبش اسلام سیاسی، ابتدا میخواست در مقابل بلوک شرق مانع نفوذ شوروی بشود و در قدم بعدی با اتکا بر همین جریانات اسلامی هدفش مقابله با چپ و آزادخواهی است. اما جریانات اسلامی در اغلب موارد از سیطره آمریکا و دولتهایی که آنها را ساخته و تقویت کرده اند، خارج شده و اهداف سیاسی و اقتصادی خود را دنبال کرده اند. مجاهدین افغان، جمهوری اسلامی، طالبان، القاعده و داعش و... همگی نمونه های هستند که سیر تحول این جریانات و هدف از ساختن و تقویت آنها را نشان میدهد. غرب اکنون ناچار شده است که سیاست مهار جریانات اسلامی افسار گسیخته را در پیش گیرد.

دخالت این بار غرب در عراق و سوریه و تشکیل ائتلاف با شوریهایی که خود بانی و باعث قدرتگیری داعش در سوریه و عراق بوده اند، تنها به مهار کردن جریانات تروریست اسلامی از نوع داعش محدود نیست. هدف مهمتر کشورهای غربی و در راس آنها آمریکا، شکل دادن به معادلاتی تازه در منطقه است که از یک طرف نقش روسیه و جمهوری اسلامی را حاشیه ای کنند و از طرف دیگر نیروهای مورد نظر و متحد خود در

سوریه و عراق را تقویت نمایند. همه این ائتلافها و جبهه بندیهای اخیر در مقابل داعش از منظر بورژوازی آمریکا قرار است چهره تضعیف شده دولت آمریکا را باز سازی کند. اینبار آمریکا به عنوان يك قدرت "نجات دهنده" و رهبر ائتلاف ظاهر شده و میخواهد نظم مورد نظرش در خاور میانه را شکل بدهد.

آمریکا و غرب در قدم بعدی تلاش خواهند کرد هم مانع اسد را از سر راه بردارند و هم جمهوری اسلامی را در تنگنای بیشتری قرار بدهند. در عین حال برای مهار این بحران نقشه آمریکا و متحدین منطقه ای آنها این است که سوریه و عراق را تماما به منطقه نفوذ خود تبدیل کنند. اما با توجه به موقعیت و مانع جریانات شیعی متحد جمهوری اسلامی، احتمال اینکه عراق به سمت سه قسمت با حکومتهای مذهبی قومی برود کم نیست.

با این حال بحران جدید چند ماه گذشته خاورمیانه تا به امروز یکی از نتایجش این بوده است که شاخه شیعه جنبش اسلام سیاسی در حاشیه تحولات قرار گرفته است. موقعیت جمهوری اسلامی و متحدین منطقه ای آن مانند اسد و مالکی و حزب الله و... بشدت تضعیف شده است. بازبرگرا اصلی منطقه اکنون نه جمهوری اسلامی و متحدینش، بلکه رقبای آنها هستند. در این میان روسیه به شدت نگران مسئله اوکراین است و تلاش میکند با کارت سوریه معامله را در اوکراین به نفع خود تمام کند.

همچنانکه قبلا پیشبینی کردیم متاسفانه بحران اوکراین به دلیل رقابتهای غرب و روسیه وارد جنگ خونینی شد که ناسیونالیسم اوکراین و روس جنگ نیابتی غرب و روسیه را آغاز کرده و پایان آن هنوز معلوم نیست. آنچه روشن است بحران و پایان آن در سوریه و اوکراین مستقیما به نتیجه رقابتها و روسیه مربوط است.

در این میان چپ ضد امریالیست و پرواسلامی يك بار دیگر به جنب و جوش افتاده است و تحت عنوان ضدیت با جنگ عملا خواهان حفظ وضع موجود و پیشروی جریاناتی از نوع داعش، حسن نصرالله و حماس و... است.

اما جامعه بشریت متمدن نباید منتظر نتیجه رقابت قدرتهای جهانی و منطقه ای بشود. مردم برای دفاع از زندگی و امنیت خود باید در مقابل این توحش اسلامی از مدنیّت دفاع کنند. بشریت متمدن باید به میدان بیاید و جنبش وحشی اسلامی و متحدین آنها را افسار بزند. در منطقه و در کشورهای عراق و سوریه که این جانوران درنده جنایت میکنند، مردم راهی بجز تسلیح عمومی و مقابله با آنها را ندارند. باید جلو این توحش را گرفت. مردم برای دفاع از خود و زندگیشان باید مسلح شوند و این ماشین جنایت را در هم بشکنند.

اما برای جلوگیری از گسترش ابعاد جنایت این جریانات اسلامی به کشورهای دیگر باید به جنبشهای اجتماعی و انقلابی اتکا کرد. کمونیستها و آزادخواهان و سکولارها در دنیا باید متحدانه به میدان بیایند و خواهان پایان دادن به جنایات جنبش اسلام سیاسی بشوند. يك وظیفه تاریخی و مهم جریانات چپ و آزادخواه کشورهای منطقه این است که در این شرایط حساس و خطیر با اتحاد و همبستگی و اتکا به جنبشهای اجتماعی پرچمدار راه مقابله با این جنبش باشند.

ما همه کمونیستها و مردم آزادخواه و سکولار را به اتحاد و سنگر بندی در مقابل توحش اسلام سیاسی و متحدین و خالقین آنها فرامیخوانیم. حزب کمونیست کارگری وظیفه خود میداند که در مقابل جنایات و توحش شاخه های مختلف جنبش اسلام سیاسی بایستند.*



فضای عمومی در شهرهای کردستان بوده و هست.

بنظر من این فضای سنت دار و رادیکال اجتماعی را می توان و باید بیش از اینها تقویت کرد. نمونه این نوع از تلاشها حمایتهای بخشهای مختلف مردم شهرهای کردستان از آوارگان شنغال و کوبانی بود. با توجه به اینکه جنایتکاران داعش فجایع، کشتار و آوارگی را به مردم این مناطق تحمیل کردند و حامیان سلفی آنان در چند نقطه از شهرهای کردستان ایران تلاش کردند در جاهایی سری بجنبانند و از سوی دیگر حکومت اسلامی همچنان داعش تلاش کرد که مانع اقدامات انسانی مردم برای کمک رسانی به مردم شنغال و کوبانی شود، همین حرکت اجتماعی، چپ و انسانی مردم شهرهای کردستان به میدان آمد، کمک جمع آوری کرد، پرچم داعش را در وسط خیابان به آتش کشید و علیه آنان تظاهرات برپا کرد. این تحرکات اجتماعی و توده ای، افزودن برگ زرین دیگری به کارنامه مبارزاتی مردم در شهرهای کردستان علیه مذهب، ارتجاع و تروریسم اسلامی است.

علاوه بر اینها میتوان و میشود فعالیتهای سازمانیافته دیگری را در دستور گذاشت. برای مثال میتوانم بگویم که جوانان فعال و پرشور محلات میتوانند خود را سازمان داده و تمام حرکات و هر گونه جنب و جوش احتمالی سلفی های هوادار تروریستهای داعش را زیر نظر داشته باشند، افراد و عناصر آنان را شناسایی کنند، اسامی و تصاویر آنان را بر در و دیوار شهر نصب و به افکار عمومی مردم معرفی کنند. با شناسایی آنها توسط مردم، نباید به این از گور برخاسته ها اجازه داد



تحولات منطقه و اوضاع فعلی در کردستان عراق نیز که بر بستر سیاستهای شکست خورده آمریکا در عراق این تفاله های اسلامی آدم کش بنام دولت اسلامی "داعش" را از خود بیرون داده است، سلفی های پس مانده از آن دوران در کردستان را هم به جنب و جوش واداشته است که تا بحال مردم به اشکال مختلف حسابشان را کف دستشان گذاشته اند.

برای مقابله با این پس مانده های مرتجع و مخرب به حال جامعه، راهکارهای مختلفی هست که با استفاده از آنها می توان تروریستهای اسلامی سلفی هوادار داعش را در سوراخ کرد.

سنت قوی مبارزات چپ اجتماعی، جنبش کارگری، جنبش دفاع از حقوق برابر زن و مرد، حمایت از حقوق کودک، جنبش علیه اعدام و در یک کلام فضای اعتراضی رادیکال و خواست و توقعات انسانی مردم سیمای واقعی و خمیر مایه

عبدل گلبریان: مردم کارنامه درخشانی در تاریخچه مبارزاتی خود و تقابل با جریان ارتجاعی و مذهبی در شهرهایی کردستان دارند. اگر یادتان باشد در مقطع انقلاب ۵۷ مردم شهرهای کردستان بویژه در شهر سنندج بساط مکتب قرآن مفتی زاده را جمع کردند. علاوه بر این، جریان مرتجع و مسلح دیگری وابسته به دارو دسته طریقه نقشبندی که از ساوکیان رژیم شاه بودند نیز با یک حرکت ضربتی از سوی کومه له و با حمایت مردم، تمام مراکز و دفاترشان در گوشه و کنار کردستان برچیده شد. اینکه چرا جریان مکتب قرآن جرئت ابراز وجود پیدا کرده بود برمی گشت به ظهور جریان مذهبی خمینی بعنوان پیوسیده ترین جریان مذهبی و ضد انقلابی و وعده هایش به باندهای مرتجع مذهبی و محلی برای مقابله با چپ و کمونیسمی که افق و اهداف قیام و انقلاب ۵۷ را در شهرهای کردستان نمایندگی میکرد.

پیشنهاد "احمقانه" ...

از صفحه ۱
پیام نور دیواندره به آنها گفته شده، به شرط نام نویسی در سازمان بسیج در دانشگاه پذیرش می شوند. فرماندار دیواندره و مدیر مسئول دانشگاه پیام نور غلط میکنند برای پذیرش دانشجو در دانشگاه شرط ثبت نام در سازمان بسیج را اعلام کرده اند. سالهای سال است نرخ مزدوری و سازمان بسیج در دانشگاه ها و مدارس بی ارزش شده. فرماندار مزدور دیواندره - بهرام فاتحی - و مسئولینی که فشار بر ثبت نام کنندگان در دانشگاه پیام نور را عملی میکنند در قبال مزدوری آشکار برای جمهوری اسلامی باید جوابگو باشند.

جانوران هوادار سلفی داعشیان نتوانند کوچکترین حرکتی از خود نشان دهند.

در پایان این را هم اضافه کنم که جمهوری اسلامی می کوشد از آنها برای ایجاد فضای رعب و وحشت در میان مردم و بخصوص در تقابل با چپ و رادیکالیسم اجتماعی جامعه استفاده کند. از این رو با شناخت از تمامی ترفندهای رژیم اسلامی، ما مردم، ما جوانان فعال در محلات و دیگر فعالین عرصه های مختلف اجتماعی باید با ابتکارات گوناگون در مقابل مزاحمتها و سرجنبدانندهای این جانوران وارد عمل شویم و به تناسب هر مانوری که خواستند از خود نشان دهند واکنش سریع و پاسخ درخور و مناسب را به آنان بدهیم. *

که در اماکن عمومی ظاهر شوند. از هر لحاظ باید مورد تحریم قرار بگیرند و اگر در جایی خواستند مزاحمتی ایجاد کنند، جوانان و شبکه فعالین محلات آنان را گوشمالی داده و حسابشان را کف دستشان بگذارند.

سنت کار سازمانیافته در محلات بویژه در جایی چون سنندج برمی گردد به همان اوایل انقلاب ۵۷ که جوانان در بنکه های محلات بصورت متشکل و سازمانیافته اداره امور شهر را در سطح محلات را بر عهده داشتند. امروز نیز خوشبختانه با توسعه و گسترش روزافزون و سریع تکنولوژی و میدیای اجتماعی، صدها برابر نسبت به آن دوران می توان در هر زمینه ای نقش ایفا کرد و کاری کرد که

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سرفه هایشان تماما خالی شده است. سالها استعمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح دست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

کولشان را نخوریم، ارا جیف شان را باور نکنیم، تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرتکون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

حزب کمونیست کارگری نماینده آرزوها و خواستههای پائمال شده مردم محروم است.

حزب کمونیست کارگری حزب میلیونها کارگری است که کار میکنند و خود از نعماتی که خود ساخته اند محرومند؛ حزب کمونیست کارگری صدای همه مردمی است که آرزوهای ساده و انسانی شان سرکوب شده است؛ این حزب صدای میلیونها کارگر و جوان و بیکاری است که بازار سرمایه آنها را وا زده است و اسیر بیکاری و فقر و محرومیت شده اند. صدای کودکان محروم شده از شادی و تحصیل، صدای زنانی که فقر و محرومیت آنها را به تن فروشی ناچار میکنند، صدای جوانانی که در اوان زندگی از شادی و رفاه و آزادی محروم میشوند. صدای آنهایی که اعدام شده اند و دیگر صدایی ندارند!

به حزب کمونیست کارگری پیوندید. دست در دست هم جامعه ای بسازیم که در آن اعدام و زندان معنایی نخواهد داشت. هیچ کس از تحصیل و مسکن و دارو و درمان محروم نخواهد بود. آزادی بی قید و شرط است و همه مردم از طریق شوراهایشان قانون گزار و تصمیم گیرنده و اختیار دار جامعه خواهند بود. جامعه سوسیالیستی! که به تاریخ توحش و بهره کشی و جنایت و سرکوب اقلیت مشخور مهر پایان خواهد گوید!



نگاه هفته: مجموعه ای از اخبار و رویدادهای هفته در شهرهای گردستان

نسرین رمضانعلی - نسان نودینیان

دانش آموز در سراسر ایران بصدادر آمد و بیش از ۱۲ میلیون کودک و جوان که امیدهای حال و آینده جامعه ایران هستند با امید فراگرفتن دستاوردهای آموزشی و پیشرفت علمی بشر در این روز، به محیط های آموزشی پای گذاشتند. امسال اول ماه مهر و بازگشایی مدارس و مراکز آموزشی را در شرایطی آغاز می کنیم که طبق اعلام رئیس مرکز آموزش و پرورش، حدود ۱۴۵ هزار دانش آموز از تحصیل به جا مانده اند - البته این آمار فقط مربوط به ۶ سال دوره ابتدایی یعنی کودکان زیر ۱۱ سال می باشد - و آمار کودکان مهاجر در ایران علی الخصوص کودکان افغان که متاسفانه از تحصیل محروم هستند و دانش آموزانی که در مقاطع راهنمایی (دوره اول متوسطه) و دبیرستان (دوره دوم متوسطه) ترک تحصیل می کنند که روند آن نیز شتاب بیشتری به خود می گیرد معلوم نیست.

کودکان بازمانده از تحصیل یا آنها که درس و مدرسه را به هزاران دلیل رها کرده اند، اغلب متعلق به خانواده های کارگری و آسیب پذیر جامعه هستند. خانواده هایی که در یکی از دشوارترین دوران حیات خود از لحاظ اقتصادی و معیشت زندگی بسر می برند به طوری که وجود میلیونها کارگر بیکار و نبود امنیت شغلی به یک نگرانی دائمی کارگران شاغل و خانواده هایشان مبدل گشته است. دستمزدهای امسال هم که حدود ۱۰ درصد کمتر از نرخ تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی تعیین گردید بدین معنا بود که ما کارگران می بایستی برای امرار معاشمان از هزینه های زندگی کم کنیم با وجود چنین شرایطی بسیاری از کالاهای اساسی سفره کارگران با سیر سعودی قیمتتها همراه شده است. با بالا رفتن هزینه های زندگی و به دنبال آن، افزایش فشارهای روحی و روانی و انواع مصائب اجتماعی برای خانواده های کارگری، مانند وداع فرزندان کارگران با درس و مدرسه و پیوستن کودکان بی شمار دیگری به خیل کودکان کار و خیابان در آینده ای نزدیک دور از انتظار نیست. بگذریم از اینکه همین دستمزد بخور و نمیر هم به موقع

۵ سال دوندگی ۱۵ کارگر نساجی بوکان بدنبال حقوق بازنشستگی

۲مهر: يك کارگر بیکار شده کارخانه نساجی بوکان گفت مشکلات دریافت سنوات کاری و بیمه ای کارگران کارخانه نساجی بوکان با گذشت ۵ سال از تعطیلی این کارخانه حل نشده به قوت خود باقی مانده است. این کارگر که پس از تعطیلی کارخانه نساجی بوکان در سال ۸۸ بیکار شده است، درباره مطالبات حقوقی کارگران بیکار این کارخانه گفت: با تعطیلی کارخانه در سال ۸۸، هنوز معوقات سنوات خدمت ۱۵ نفر از کارگران این کارخانه پرداخت نشده و کارفرما حق بیمه ای را که از کارگران کسر کرده را نیز به حساب تامين اجتماعی شهرستان بوکان واریز نکرده است. بر اساس پروانه بهره برداری کارخانه، این مجتمع تولیدی بایست ۹۰۰ نفر را به استخدام در می آورد اما در عمل این شمار به ۴۰ نفر رسید و بعد از ۱۷ سال کار، کارخانه با ۴۰ نفر به کارش خاتمه داد. از این شمار کارگر (۴۰ نفر) بخشی بازنشسته شدند، شماری با کارفرما توافق کرده و با مبلغی غیرواقعی به طور قانونی رابطه کاری خود را خاتمه دادند اما در این میان ۱۵ نفر از کارگران باقی ماندند که از سال ۸۸ تا کنون بلا تکلیف اند. این ۱۵ کارگر برای پی گیری مطالباتشان به سراغ فرماندار، نمایندگان مجلس و حتی وزارت کار نیز رفته اند اما تا کنون ناموفق بوده اند. (بخشهایی از گزارش اینلنا)

سقوط از اسکلت ساختمانی در اربیل، مرگ کارگر بوکانی را رقم زد

۲مهر: بر اثر وقوع حادثه ای کار در در شهر اربیل، کارگر جوشکار کوروش آرخون فرزند محمدرسول از اهالی شهر بوکان جان خود را از دست داد.

بیانه انجمن صنفی کارگران خیابان های سنندج و حومه به مناسبت فرارسیدن مهر ماه و بازگشایی مدارس و مراکز آموزشی

کارگران، مردم شریف ایران! اول مهر ماه ۹۳ بار دیگر زنگ مدارس و مراکز آموزشی برای میلیون ها

کارگران اعتصاب کارگران سد داریان روز دوم را پشت سر گذاشت

۲مهر: کارگران شاغل در شرکت "سانا"ی سد داریان شهرستان پاوه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق شش ماهه خود دست به اعتصاب زدند. پیشتر یازدهم شهریورماه در مقابل فرمانداری این شهر دست به اعتصاب زده بودند و هم اکنون در روز است در محل کار در سد داریان دست به اعتصاب زده و کار این شرکت را تعطیل کرده اند. شرکت سانا، در حال ساخت نیروگاه برق در سد داریان شهر پاوه می باشد و سال گذشته نیز به دلیل اعتصاب کارگران این شرکت، ۱۲ کارگر را از کار اخراج کرده بود.

کارگران اخراجی فولاد زاگرس به دیوان عدالت اداری شکایت کردند

۱مهر: کارگران فولاد زاگرس در اعتراض به تایید اخراجشان توسط هیات های تشخیص و حل اختلاف اداره کار شهرستان قروه به دیوان عدالت اداری شکایت کردند. در حالی اخراج کارگران فولاد زاگرس را تایید کرده اند که پیشتر به بازگشت به کار آنان رای داده بودند. آرای این دو نهاد رسیدگی به اختلافات کار در پی جدیدترین تلاش کارفرما برای اخراج کارگران یعنی اعلام انحلال شرکت تغییر یافته است.

ترکیدن لاستیک جان کارگر را گرفت

۳مهر: ترکیدن لاستیک کامیون موجب کشته شدن آپاراتی ۴۴ ساله در سنندج شد.

دیوانده طی دستورالعملی اعلام کرده، در صورت نام نویسی در سازمان بسیج، دانشجوی برای سالتحصیلی جدید می پذیرند. طی روزهای گذشته هنگام مراجعه دانشجویان برای ثبت نام به دانشگاه پیام نور دیوانده به آنها گفته شده، به شرط نام نویسی در سازمان بسیج در دانشگاه پذیرش می شوند.

وعده غذای دانشجویان قطع شده!

مسئولان دانشگاه پیام نور شهر سقز از زمستان سال گذشته وعده ناهار دانشجویان را قطع کرده بودند، برای امسال نیز این وعده غذایی از دانشجویان قطع می شود.

اعتصاب غذا در زندان

علیرضا رسولی فرزند حسن زندانی سیاسی اهل مهاباد که در زندان مرکزی ارومیه در بازداشت بسر می برد دچار بیماری صعبالعلاج شده و مسئولان زندان با معاینه و معالجه پزشکی مخالفت کرده و به همین دلیل وی دست به اعتصاب غذا زده است. علیرضا رسولی دچار بیماری "سرطان" شده و در حالیکه نیاز به معالجه پزشکی فوری دارد، مسئولان زندان با معالجه پزشکی وی مخالفت می کنند. علیرضا که دو "غده سرطانی" در سینه دارد، هم اکنون در بند ۱۲، بند زندانیان سیاسی زندان ارومیه در بازداشت به سر می برد. علیرضا رسولی به نشانه حمایت از دانش آموزان شین آباد پیرانشهر در مقابل اداره آموزش و پرورش مهاباد به همراه شماری از فعالان تجمع کرده بودند که از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به سه سال زندان تعزیری محکوم گردید.

اجتماعی

۶مهر: لقمان قنبری، روزنامه نگار هفته نامه امید کرمانشاه به دلیل انتقاد از دولت به اداره اطلاعات شهر سرپل ذهاب احضار شده است.

منطقه "دول دره"

اعضای انجمن فرهنگی - اجتماعی آشتی در چندین روستای منطقه "دول دره" فعالیت گروهی انجام دادند. انجمن "آشتی با زندگی" روز جمعه گذشته علاوه بر ارائه خدمات بهداشتی و دارویی میان روستائیان منطقه ثلاث باباجانی، لوازم التحریر رایگان نیز میان تمامی دانش آموزان مدارس توزیع کردند.

آتش سوزی

مراعات طبیعی منطقه ای حفاظت شده بیستون در کرمانشاه، طعمه حریق شد و خسارات فراوانی به بار آورد. در این حادثه، به ۳۰ هکتار از پوشش مرتعی میشه راه (ریواسان) خسارت وارد و تعدادی از درختان منطقه نظیر بلوط، زالزالک و آلبالو وحشی در آتش سوختند.

خودکشی

۴مهر: یاسر حسینی در جوانی اقدام به خودکشی و در نتیجه جان خود را از دست داد.

مهاباد؛ طی روزهای اخیر دکتر منصور سهرابی از منزل مسکونی اش در شهر مهاباد خارج و تاکنون از سرنوشت وی اطلاعی در دسترس نمی باشد. (منبع سایت کردپا)

بسیج شوید و ثبت نام کنید!

شهر دیوانده، دانشگاه پیام نور

از صفحه ۴

نگاه هفته

پرداخت نمی شود و کارگران ناچارند برای دریافت دستمزدهای توافق شده نیز دست به اعتراض بزنند - تجمع کارگران پیمانی قطار شهری اهواز، تجمع کارگران معدن سنگرود، اعتصاب کارگران کاشی گیلاتا، تجمع کارگران شهرداری زابل، تجمع کارگران پتروشیمی کارون، اعتصاب باشکوه کارگران سنگ معدن بافق، اعتراض کارگران شهرداری سقز و مریوان، اعتراض کارگران پتروشیمی رازی، اعتراض کارگران خبازی های سنندج و حومه و دهها و صدها اعتراض کارگری دیگر در سراسر ایران که می توان بدان اشاره کرد. بگذریم از اینکه بخشی از کارگران، مشمول قانون کار - که ناظر بر روابط کارگر و کارفرماست - نمی شوند و همین حداقل دستمزد ناچیز هم شامل حالشان نمی شود، برای نمونه ما کارگران خباز از سال ۹۱ تاکنون دستمزدهایمان بدون هیچ تغییری، ثابت باقی مانده و تمامی مراجعات و مکاتبات مان با مسئولین مربوطه هیچ اقدام عملی جهت افزایش دستمزدها به همراه نداشته است. ما کارگران خباز به مسئولین دولت تدبیر و امید که با شعار بهبود وضعیت زندگی کارگران به سر کار آمده اند، اعلام می داریم چگونه است که کارگران برای مطالبه حقوق صنفی خود با زندان و شلاق روبرو می شوند اما مسببین تمامی بی حقوقی ها و بی عدالتی هایی که به کارگران تحمیل می گردد و آنها را ناچار به اعتراض می کند مورد مآخذ قرار نمی گیرند؟! ما کارگران خباز با دستمزدهای کمتر از حداقل دستمزد اعلام شده از سوی شورای عالی کارمزدی، چگونه هزینه سرسام آور مسکن، خوراک، پوشاک و از همه مهمتر مخارج تحصیل فرزندانمان را در آستانه مهر ماه تامین نمایم؟ ما کارگران خباز ادامه چنین شرایطی را نابودی تدریجی زندگی خود می دانیم و بار دیگر بر مواضع و مطالبات قانونی خود پای می فشاریم و خواهان افزایش دستمزدهایمان مطابق با تورم واقعی موجود در کشور هستیم تا جسم و روح فرزندان ما هم زیر بار کار تباه نگردد و دیگر کودکی بجای پشت میز مدرسه وارد بازارهای کار

نگردد. به همین خاطر انجمن صنفی کارگران خبازی های سنندج و حومه بار دیگر ضمن تبریک آغاز سال جدید تحصیلی به صف میلیونی دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و استادان ایران و آرزوی بهروزی و موفقیت برای این عزیزان؛ از تمامی کارگرانی که برای احقاق حقوق ترضیع شده خود اعتراض می کنند حمایت کرده و صدور احکام زندان و شلاق برای کارگران مجتمعت پتروشیمی رازی را مغایر با مبانی انسانی و مقوله نامه های سازمان جهانی کار که جمهوری اسلامی ایران یکی از اعضای هیئت رئیسه این سازمان می باشد، می دانیم و آن را محکوم می نماییم. انجمن صنفی کارگران خبازی های سنندج و حومه، سی و یکم شهریور ۱۳۹۳

به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۹۴/۹۳ غالب حسینی و افشین ندیمی

امسال در شرایطی مسال تحصیلی ۹۴-۹۳ آغاز می شود، که وضعیت به مراتب بدتر از وضعیت به سالهای گذشته به خانواده های فرودست جامعه تحمیل شده است. تعمیق بحران اقتصادی، بیکاری و اخراج سازهایی گسترده و دسته جمعی، و دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر و تاخیر در پرداخت بقوق ان باعث شده است، که فرزندان بسیاری از خانواده های کارگر و زحمتکش به دلیل ناتوانی در تامین حداقل معاش روزانه و پرداخت هزینه های بالای تحصیل به ناچار درس و مدرسه را رها کنند و وارد بازار بی رحم کار شوند و این را می توان در سرگردانی میلیونها کودک کار، در سطح خیابانها و در مراکز تولیدی یافت، که با کمترین دستمزد و در بدترین شرایط غیر انسانی مورد بهره کشی اقتصادی و سواستفاده های جنسی قرار می گیرند و انواع ناهنجاریهای اجتماعی آنها را تهدید می کنند. همزمان با این اوضاع، گسترش خصوصی سازی و غیر انتفاعی کردن مدارس به نحوی راه را برای ادامه تحصیل کودکان و نوجوانان، خانواده های کم درآمد مسدود و برای فرزندان، طبقات بالایی جامعه هموار کرده است و عملاً سرمایه داری شرایط را

برای ترک تحصیل دانش آموزان، و پدیده کودکان کار و خیابا مهیا می کند، تا در سایه آن نیروی ذخیره بیکار را برای سود سرمایه هایشان تامین شود. در پایان ما ضمن تبریک آغاز سال تحصیلی ۹۴-۹۳ به تمامی دانش آموزان و دانشجویان ازاده و معلمان مبارز، اعلام می داریم که کودکان و نوجوانان نباید از تحصیل محروم باشند و تمامی دانش آموزان باید از تحصیل رایگان برخوردار شوند و امکانات و شرایط لازم برای تحصیل و آموزش آنان از طرف دولت تامین و تضمین گردد غالب حسینی و افشین ندیمی فعالین کارگری عضو کمیته هماهنگی، زندان مرکزی سنندج.

کارگر سیکل ترکیبی سنندج - رد پای دیگر

سیاستهای از ریشه ضد انسانی نظام سرمایه داری یکبار دیگر در يك دادوستد بزرگ با جابجایی سرمایه قربانی می گیرد. قربانی نه از نوع خون و خونریزی بلکه از نوع بیکاری و فقر ناتوانی که در نوع خود می تواند بسیار بدتر از خون و خونریزی باشد. آری فرقی نمی کند، سرمایه دار، سرمایه دار است. حال صاحب سرمایه در قالب گروهی بنام دولت باشد و یا در قالب گروهی بنام بخش خصوصی، اما این فقط يك تئوری در نظام سرمایه داری است و این طبقه کارگر است که اختلاف مدیریت دولتی و بخش خصوصی را با پوست و استخوان و با دل و جان حس می کند. حداقل ما در اینجا اینطور حس می کنیم. دوستان، داستان از این قرار است، که در زمان دولت آقای احمدی نژاد و در جهت منطبق کردن دولت با سرمایه ی جهانی و در يك سیاست عوام فریبانه اقدام به پرداخت یارانه اجتماعی تحت نام سیاست از میان برداشتن اختلاف طبقاتی نمود، که درست برعکس به جواب رسید. البته جوابی که کاملاً قابل پیش بینی و پیش گویی بود. و صد البته نه اینکه خود ایشان هم از این پیش گویی و پیش بینی بی اطلاع بودن بلکه ایشان با علم به این موضوع و در چهار چوب تامین منافع بورژوازی، در بخش بازرگانی یا همان بازاریان عمل نمود. حال پرچم دار این سیاست برای تامین منابع مالی پرداخت یارانه ها، اقدام به خالی کردن ملت،

موسسات مالی فروش بی رویه و غیر قانونی منابع ملی نفت، گاز و.... و نیز دست آخر فروش صنایع بزرگ بنام خصوصی سازی را در دستور کار خود قرار داد. صناعی چون نیروگاهها و پتروشیمی ها که از جمله این نیروگاهها، می توان به نیروگاه دماوند یعنی بزرگترین نیروگاه خاورمیانه و نیروگاه زاگرس کرمانشاه و نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج اشاره نمود. حال موضوع را با بحث فروش نیروگاهها ادامه می دهیم. جالب است که بدانید و مطلع باشید که این نیروگاهها که جزو سرمایه های هنگفت ملی به حساب می آیند با رقمهای ناچیزی فروخته و واگذار شده اند. رقمهایی که حتی گاهی به يك دهم ارزش واقعی این سرمایه های ملی هم نمی رسند. حال جایگاه نیروی کار یا همان کارگر در این جابجایی سرمایه کجای داستان قرار گرفته است؟ آیا اصلاً هنگام ردوبدل کردن این سرمایه اسمی از کارگران شاغل به میان آمده است؟ آیا ایشان (فروشنده و خریدار) در قراردادهای فی مابین خود حتی يك خط از این متن را به نیروی کار شاغل در این بخش اختصاص داده اند؟ ما مجموعه ای از کارگران این بخش با اسناد و شواهد بر این باوریم هرگز چنین اتفاقی صورت نگرفته است. چون بعد از واگذاری این نیروگاهها تازه مدیران عامل این نیروگاهها از سر خیر خواهی در پی تعیین تکلیف کارگران شاغل در این بخش افتاده اند. تا جایی که با مطالعه قرار داد یادشان افتاده، که هیچ اشاره ای به نیروی کار شاغل در این بخش نکرده اند. اختصاصاً در مورد نیروگاه سنندج بعد از بخش خبر قطعی شدن واگذاری نیروگاه در میان کارگران و بلا تکلیفی آنان که تا دیروز در استخدام رسمی، قراردادی و یا شرکتی، دولت بودند به یکباره و يك شبه هر آنچه که رشته کرده بودند پنبه شده و استرس و ترس از آینده شغلی، سراسر نیروگاه را فراگرفت. سرانجام کارگران برای مقابله با این بی حقوقی چاره کار را

در اتحاد کارگری دیدند و در حرکت بی سابقه و خودجوش و برای حفظ امنیت شغلی خود و ممانعت از هرنوع بیکار و بیکارسازی در این نیروگاه و با وجود تهدیدات رئیس اداره حراست دست به اعتصاب زدند و خواهان ضمانت ان از سوی مدیر عامل شدند که مدیر عامل نیز با وعده های خود مبنی بر ضمانت شغلی کارگران اوضاع را موقتاً آرام کرده است. عین همین جریانات نیز با مقداری تغییرات کوچک در جزئیات در نیروگاه دماوند و حتی در پتروشیمی ها رخ داده است تا اینکه صاحبان جدید این صنایع به صلاح دید استانداری ها و سازمانهای امنیتی از تغییرات عمده در ترکیب نیروهای شاغل در این بخش ها منصرف شده اند و فعلاً میخواهند دست به عصا عمل کنند. حال سؤال اصلی اینجاست که آیا اوضاع به همین منوال باقی خواهد ماند؟ مطمئن ما می گویم خیر و کارگران از اجرای هر نوع سیاستی که امنیت شغلی آنان را به مخاطره بیندازد باید کاملاً هوشیار عمل کنند. زیرا از بلو پیدایش نظام سرمایه داری، سرمایه دار سعی می کند که با تمهیدات مختلف و با هر قیمتی سود سرمایه را افزون بخشد و حال اگر این سرمایه دار در بخش خصوصی باشد، مطمئن شدت عملش صد چندان می گردد. چاره کار چیست و چکار باید کرد؟ مطمئن اتحاد و همبستگی کارگران تا روز رسیدن به شعار عملی و نجات بخش عالم؛ از هرکس به اندازه توانش به هرکس به اندازه نیازش کارگر نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج - مهر ۹۳. برگرفته از سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری.

کارگران گولبر

۷مهر: نیروهای نظامی سپاه در مرزبانی پاسگاه "ژاله" در بخش باینگان با شلیک گلوله به روی گروهی از کولبران جان جوان ۱۹ پدram محمندی فرزند انوشیروان اهل روستای "سریاس" را گرفتند*.

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!**

به آفتاب سلامی دوباره خواهیم کرد!



ریحانه میگوید: مرا دست و پا بسته و در حالیکه چشم هایم را نیز بستند به رجایی شهر بردند یک قلم و کاغذ دادند و گفتند آخرین حرفهایت را بنویس!

صبح روز دوشنبه ۲۹ سپتامبر است، حدود ساعت ۱۲ ظهر از یک ملاقات با وکیلی در مورد پناهندگی یک نفر بر میگردم، تلفنم زنگ میزند. فاطمی محمدی از هلند است، لحن غمگین صدایش زنگ خطری برای من است، حتما خبر بد دارد. فاطمی میگوید: مینا ریحانه را بردند برای اجرای حکم. با سرعت و شوک میگویم، چطور؟ مگر بررسی مجدد پرونده نبود، مگر خبر نیامده بود که دارند دوباره تصمیم میگیرند، پس تصمیم مقامات رژیم اسلامی که در پشت درهای بسته در این مورد حرف میزدند این بوده که اوضاع مناسب است ریحانه را بکشیم و روی این پرونده که توجه میلیونی بخود جلب کرده سنگ بگذاریم؟

فاطمی میگوید ریحانه به مادرش زنگ زده و گفته مامان دستهایم را بسته اند و میگویند ترا میبریم برای اجرای حکم در زندان رجایی شهر. مامان ترا گول زدند، مرا میبرند، من فردا از دست رنج و دردهایم راحت خواهم شد، تو صبور باش. شعله میماند و یک تصویر از واقعه هولناک.

فورا به فاطمی میگویم الان باید دست بکار شد. اول از همه باید با مقامات دولتها، اتحادیه اروپا و کمیسیونهای حقوق بشر تماس گرفت. باید کاری کرد اینها چند نامه فوری اعتراضی به ایران بفرستند، باید در عین حال خبر را

وسیعاً پخش کرد، باید در مقابل وزارت امور خارجه و یا پارلمانهای محلی تجمع کرد و بهتر است با رسانه های فارسی زبان حرف بزنیم که برنامه ویژه بگذارند و باید مردم را دعوت کنیم مادر ریحانه را در مقابل در زندان رجایی شهر تنها نگذارند.

با هیجان و تند تند یک اطلاعیه مینویسم که خبر را علنی کنیم. در آنسوی خط یک جمع از فعالین کمیته علیه اعدام آماده باش هستند، به محض پخش خبر، حسام یوسفی را خردار میکنم که اوضاع فوق العاده است و باید دست بکار شویم. نوشین قادری از محل کلاس درسش زنگ میزند و میگوید مینا این خبر چیه، توضیح میدهم و او میگوید فورا برای انجام مصاحبه و کارهای لحظه به لحظه از طریق رادیو نسل ما دست بکار میشود.

با پارلمان اروپا تماس میگیرم با چند نفر از مسئولین حرف میزنم قول میدهند حتما نامه بنویسند، به عفو بین الملل زنگ میزنم. به اورلیکه لوناچاک و دفتر باربارا لوخ بیلر زنگ میزنم به دفتر یکی از مسئولین پارلمان به اسم اشتوتسمن زنگ میزنم.

یک تماس با رسانه ها و از جمله تماس با کانال جدید میگیرم و فورا میگویند که برنامه امروز یعنی برنامه زنده کانال جدید که به وقت اروپا هفت و نیم شب پخش میشود را به ریحانه اختصاص میدهند. به آقای میسلی زنگ میزنم، اصلا توجه نمیکنم که در آنجا ساعت چهار صبح است، با خوشرویی همیشگی میگوید چه شده است، با هیجان میگویم ریحانه را برای اعدام برده اند، باید کاری کنیم که همه

رسانه های خارج کشور اینرا پوشش خبری دهند و برنامه لایو و زنده را روی این موضوع متمرکز کنند. بعدا آقای میسلی در جریان مصاحبه من با پارس تی وی و رادیو همراه گفت که من ساعت چهار صبح با تلفن مینا از حوب پریدم و خبر را شنیدم بعد رفتم زیر دوش آب و نیم ساعت گریه کردم....

نبرد با زمان! فعالیت تیم فراخوان دهنده به کمپین نجات ریحانه شبینم اسداللهی، نازنین افشین جم و شادی پاره و من با شیوا محبوبی و مهوش عباسوندی شروع میشود. این یک نبرد با تیک تیک ساعت هست.

شیوا محبوبی فورا پیام میدهد که با مقامات پارلمان اروپا تماس گرفته و نامه ای فوری به آنها نیز داده است. شیوا خودش یک پیام در مورد ریحانه میدهد که در سایتها پخش میشود.

در صفحه مریم نمازی و در صفحه برنامه نان و گل سرخ خبرها میزنند این یکی از پربیننده ترین برنامه ها و صفحه مریم بازدید کننده چند هزار نفره دارد و این خبر را وسیعاً پوشش میدهد.

نازنین افشین جم در صفحه فیس بوک خود خبر را نوشت و یک نامه به کنساکت های بین المللی خود داد. پخش خبر از طرف نازنین افشین جم یعنی پوشش چند هزار نفره این خبر.

شبینم فورا خبر را به زبان انگلیسی در صفحه فیس بوک خود گذاشت و با رسانه های مختلف و دست اندرکاران تماس گرفت و شادی پاره بلافاصله چند تلفن به مقامات وزارت خارجه کانادا و چند رسانه معتبر انگلیسی زبان داشت و با

دوستانش در ایران تماس گرفت که شعله را تنها نگذارند.

همکار خوب کمیته علیه اعدام مونا فعالانه وارد میدان میشود، پخش خبر و کمک به انتشار این خبر و فعالیتهای متعدد.

ما لحظه به لحظه اخبار را پوشش میدادیم. با آقای طاهر جعفرزاده یکی از فعالترین و انسان دوست ترین افراد در ایتالیا تماس میگیرم که ارتباط خوبی با پارلمان و رسانه های ایتالیایی دارد. ایشان فورا دست بکار میشود چند ساعت بعد خبر اجرای حکم اعدام ریحانه در خروجی رسانه های معتبر ایتالیا قرار میگیرد و مصاحبه با طاهر جعفرزاده در این مورد وسیعاً پوشش داده میشود. دو سناتور ایتالیایی به جمهوری اسلامی ایران نامه اعتراضی فرستاده و با سفارت این رژیم در رم تماس گرفته و اعتراض میکنند.

با عموی ریحانه در برلین حرف میزنم و ایشان حاضر به گفتگو با رادیو نسل ما و رادیو همراه هستند و این مصاحبه ها انجام میشود.

از آمریکا آقای مصلحی با من تماس میگیرد که فراخوان تبدیل برنامه های فارسی به دفاع از ریحانه گرفته است و تلویزیونهای متعدد فارسی زبان میخواهند با دست اندر کاران و یا مادر ریحانه مصاحبه کنند.

فاطمی در هلند مشغول مصاحبه کردن است و هر از چند گاهی با هم حرف میزنیم و آخرین اخبار را چک میکنیم.

مادر ریحانه بسوی زندان حرکت میکند به همراه دو خواهر ریحانه پدرش بعدا به آنها ملحق میشود.

از نزدیک زندان به ما میگویند که شعله پاکروان مادر ریحانه به زندان رجایی شهر زنگ زده و به او گفته اند بله اسم ریحانه در لیست اعدامها است و فردا پنج صبح اعدام میشود ساعت هشت برای گرفتن پیکرش بیایید.

کم کم دوستان و آشنایان این خانواده در مقابل زندان تجمع میکنند و رادیو و تلویزیونهای نیز فراخوان میدهند که به مادر ریحانه بیونید. رژیم دست به یک تشبث دیگر میزند شایعه پخش میکنند که حکم ۱۰ روز به تعویق افتاده. دوباره سر و کله انجنر امام علی و شارمین میمندی نمایان میشود،

خبر پخش میکنند که اوضاع آرام است و خبری نیست، به محل نیروید تجمع نکنید حکم به تعویق افتاده.

شعله پاکروان میدانند که اینجبا دیگر تخطی است.

و ریحانه را دست و پا بسته و در حالیکه چشمش را با یک باند سیاه بسته اند به زندان رجایی شهر میبرند در آنجا چند مامور با بیرحمی تما یک تکه کاغذ و یک خودکار به او میدهند که وصیت اش را بنویسد. ریحانه آخرین حرفهایش را می نویسد حرفهایی که الان در دست زندانبانان رجایی شهر است.

باز هم میخواهند شرایطی ایجاد کنند که جنبش دفاع از ریحانه شکاف بخورد و در نهایت پیکر فرزند دلبنده خانواده جباری را به آنها بدهند و باز هم "روشنفکران دینی همیشه مدافع قصاص و حکومت اعدام" شروع کنند به حمله به فعالین علیه اعدام و مخالفین این حکم که زیاد حرف زدید و شلوغ کردید و قهرمان ساختید و خانواده مقتول را ناراحت کردید و از این حرفها که در نهایت دفاع از حکومت اعدام و تیر زدن به پای جنبش علیه اعدام است.

شعله میگوید دیگر باور نمیکنم. اینها دروغ است، ریحانه در خطر اعدام شدن است. او در مقابل در زندان مصاحبه میکنند و میگوید: شایعه راه انداخته اند که حکم متوقف شده تا ریحانه خودش از زندان شهری و نه با تلفن دستی بمن زنگ زند که رفته به زندان شهر ری و پیش بقیه است باور نمیکنم.

از پارلمان اروپا سه امسایل میرسد که اعتراض کردیم عفو بین الملل یک بیانیه فوری میدهد، نامه های چند سناتور علنی پخش میشود و تیم خبری کمیته علیه اعدام مشغول است و هر لحظه خبر و وقایع در ایران و در دنیا را پوشش میدهد.

<http://notonemoreexecution.org/t393/07/2954/>

یک نشریه انگلیسی زبان در کانادا اولین بار خبر را منعکس میکند. سپس رسانه های ایتالیایی و آلمانی، الان اگر اسم ریحانه را در گوگل بزیند و اخبار دیروز را ببینید مطالب متعددی را پیدا میکنید به زبان سوئدی و نروژی، انگلیسی و

از صفحه ۶

به آفتاب ..

آلمانی و ژاپنی و غیره.

یک جمع پیا می خیزند و باهم کار میکنند. صدها نفر دوندگی میکنند ...

مهوش علاسوندی در مقام فرماندهی یک جنبش ظاهر میشود. او که خود این روزهای تلخ را تجربه کرده و دو فرزند دلبندهش را رژیم اسلامی سبانه اعدام کرده، فرخوان میدهد که همه در مقابل در زندان رجایی شهر تجمع کنند. خود او با رسانه های مختلف مصاحبه میکند و از جنبش متحدانه و همبسته علیه اعدام دفاع میکند و از مردم دعوت میکند همراهی کنند.

حدود ساعت شش و نیم با تلویزیون پارس هستیم. مردم زنگ میزنند و ابراز همبستگی میکنند.

بعد ساعت هفت و نیم عصر مهمان کانال جدید هستیم خلیل کیوان برنامه را اجرا میکند. من و مهوش علاسوندی اول برنامه حرف میزنیم و فراخوان میدهیم. بعد از مصاحبه با خلیل کیوان به احترام مهوش بی اختیار از جا بلند میشوم و با خودم میگویم زنده باد مهوش مردم در این تلویزیون غوغا میکنند و من یکبار دیگر روی خط میروم و آخرین اخبار را میگویم. که تجمع در مقابل در زندان بر جا است و همه منتظر هستند ببینند رژیم چه میگوید.

حدود ساعت نه شب اروپا است که یک خبر روی خروجی رسانه های رژیم از جمله ایسنا و ایرنا و تابناک و .. قرار میگیرد. رژیم اعلام میکند که اصلا قوه قضاییه اعلام کرده قرار نبوده ریحانه را اعدام کنند و اصلا ریحانه منتقل نشده به رجایی شهر. خوب دروغگویی که حرفه سی ساله اینها است، شرم و حیا هم که ندارند، یک نکته مهم است دارند عقب نشینی میکنند.

بیرون و درون زندان رجایی شهر! در بیرون زندان خانواده و دوستان طرفداران ریحانه جمع هستند. میگویند با افسر نگهبان رجایی شهر حرف زده اند میگویند ریحانه را مجدداً به شهری برگردانیم. مادر ریحانه میگوید اینجا هیچ ماشینی از صبح تا حالا از زندان خارج نشده چطور منتقل اش کردید. در رسانه های رژیم در عین حال اعلام میشود که با پدر

ریحانه آقای جباری مصاحبه کرده اند که فضا را آرام کنند. پدر ریحانه منکر حرف زدن با این رسانه ها میشود.

من با درون زندان تماس میگیرم. این یک واقعه منحصر بفرد است زندانیان از درون زندان میگویند خبر دار شده اند که ریحانه به اینجا منتقل شده، میگویند امیدوار هستند که اعدام نشود و محکومین به اعدام میگویند این میتواند مهم باشد. میدانند که در زندان تجمع هست ولی میدانند نبردی به وسعت ایران و جهان برای نجات یک محکوم به اعدام در همین زندان رجایی شهر در جریان است و امیدوار هستند که فردا فاجعه اتفاق نیفتد.

جمعیت در مقابل زندان بیشتر میشود شعله میگوید ماشین هنرمندان و دوستان ما را بر میگردانند که به اینجا نیانید به یکی از هنرمندان آقای فروغی زنگ زده و گفته اند مشکل حل شد به دوستان خودتان بگویید نیانید. شعله به یک کافه اینترنت در نزدیک زندان میرود و پیامی در آنجا می نویسد که نشان میدهد موضوع حل نشده و میگوید پیامهای مرا دو نفر منتقل میکنند. یا برادرم در امریکا و یا فاطمی محمدی در هلند...

رسانه های فارسی زبان واقعا غوغا میکنند، میلیونها نفر در جریان خبر قرار گرفته و دست بکار میشوند .. رجایی شهر و استکهلم و تورنتو به هم وصل اند.

ساعت نه و نیم شب است که تلفنم زنگ میزند سیما بهاری است از مقابل وزارت امور خارجه سوئد با من حرف میزند، واقعا تعداد زیادی آنجا تجمع کرده و شعار میدهند. زنده باد استکهلم قهرمان که یکبار دیگر مرا یاد نجات حاجیه اسماعیل وند از سنگسار و نجات کبرا رحمانپوراز اعدام می اندازد.

در تاریخ مبارزه این شهر ایندو نقطه درخشان ثبت شده است. دوباره دوستان زیادی در مقابل وزارت امور خارجه تجمع کرده اند کمیته علیه اعدام، سازمان جوانان کمونیست و مادران علیه اعدام همه و همه دست به دست هم داده و شعار میدهند.

من روی تلفن یک پیام به این تجمع کنندگان بسیار عزیز میدهم و آخرین اخبار را به گوش آنها میرسانم. دست میزنند و هللهل می کنند و برای من لحظاتی بسیار ارزشمند را در ذهنم ثبت میکنند.

مجدداً با عموی ریحانه حرف میزنم و در برنامه رادیو همراه با من و دوستان دیگری که در آمریکا مشغول فعالیت علیه اعدام ریحانه هستند و آقای جباری عموی ریحانه مصاحبه میکنند.

با تلویزیون اندیشه و آقای فروزنده یک مصاحبه انجام میدهم. من در آنجا میگویم هنوز امیدوار هستم هنوز سه ساعت و نیم وقت داریم و باید به اعتراضات ادامه دهیم...

چند دقیقه بعد از مرکز خبری کمیته علیه اعدام که سیاوش شهابی و حسام و سهند و احسان و نوشین و بقیه مشغول کار مداوم و لحظه و به لحظه هستند، به اسکایپم زنگ میزنند صدایشان چنان به هم گره خورده که نمی فهمم چه میگویند فقط احساس میکنم خبر خوبی است. فورا به آنها میگویم آرام یکی بگوید چه شد؟

نوشین با صدای گرمش شمرده میگوید مینا با فاطمی مصاحبه میکردم که همان موقع گفتند ریحانه با مادرش تلفنی حرف زده و حکم متوقف شده گفت با شعله پاکروان مادر ریحانه چند لحظه حرف زد و اینرا فورا منتشر میکنیم. صفحه کمیته علیه اعدام که مرکز این رد و بدل کردن اخبار و پخش خبر بود چند هزار بازدید کننده دارد. و بعدا می شنوم از سیاوش شهابی که میگوید مینا حسام از صبح تا حالا از اینجا تکان نخورده حتی نان و آب هم نخورده به زور الان به او هندوانه دادیم که غش نکنند...

منهم اینرا از صبح احساس میکردم لحظه به لحظه اطلاعیه ها را که من مینوسم میگوید مینا خیلی غلط دارند میگویم هیجان زده هستم و میخوام فورا منتشر شود میگویم نه تصحیح میکنم و سپس پخش میکنم. هر بار که با این جمع حرف میزنم خوشحالم چون صدای چند جوان را انطرف تر می شنوم و احساس خوبی دارم که این جمع چنین جلی دارد برای نجات یک زن جوان از اعدام فعالیت میکند.

پخش خبر اینکه قوه قضاییه گفته اصلا قرار نبود اعدامش کنیم برای من یک معنی دارد رژیم دارد عقب نشینی میکنم. سیاوش شهابی هم اینرا میگوید ما قبلا این لحظات را تجربه کرده ایم، نجات حبیب یادته، برای نجات جان چند نفر این اتفاقات افتاده و این افراد نجات یافتند.

صدای شعله را گوش میدهم بله واقعا اجرای حکم به تعویق افتاده در مقابل در زندان چند لحظه قبل شعار دادن بود و ریحانه را با بغض صدا کردن و الان هللهل و شادی و سوت زدن را می شنوم و جمعیت تصمیم گرفته محل را ترک کند. در همین لحظه تلفنم زنگ میزند بابک یزدی از تورنتو قهرمان است سنگر مبارزه علیه اعدام، شهری که هر هفته دیوار شاهد اعتراض علیه اعدام است. بابک میگوید از مقابل پارلمان ایالتی حرف میزند و در آنجا تجمع کرده اند به همه آنها گزارش میدهم که چه شده است و سوت میزنند و میگویند زنده باد و یک نفر میگوید قربان شما بروم و من پاسخ میدهم بهتر است همه ما قربان خانم علاسوندی برویم که آنجا هستند و یک ستون مبارزه علیه اعدام در ایران و مایه امید بسیاری از خانواده هایی که عزیزان آنها در خطر اعدام هستند.

در خانه ما هم جشن است از صبح در اینجا حالت فوق العاده بوده و تلفن یک لحظه از حرکت نایستاده است.

رژیم اسلامی طوفان درو میکند!

با شنیدن خبر احتمال اجرای حکم اعدام ریحانه جمهوری اسلامی ایران خواست شانس خود را امتحان کند. اگر ریحانه را اعدام کنند، در مقابل یک جنبش علیه اعدام، در مقابل ۲۰۰ هزار نفر امضا کننده طومار و در مقابل دختران جوانی در ایران که گفتند آیا پاسخ دفاع از خود

در مقابل تجاوز اعدام است، پاسخ بدهد بله می کشیم و به هیچ اعتراضی وقعی نمی نهیم. فقط با طناب دار زنده هستیم و پاسخ به

اعتراضات را چنین میدهم. البته حکومت اسلامی الان اوضاع را مناسب تشخیص داده بود بدلیل عطف توجه دنیا به جنایات دوستان داعشی اینها در عراق و سوریه و بدلیل اینکه فکر میکردند دنیا با لیخندهای روحانی مکار و جنایات داعش توجه اش به این مسائل نیست و میتوانند ریحانه را به عنوان سبیل یک اعتراض واقعی و مهم و موثر علیه قتل عمد دولتی و علیه سیستم قضایی جنایتکارانه رژیم بکشند و نظام اش را از این مشخصه نجات دهند.

طوفان درو کردند. این یک واقعه مهم علیه اعدام بود. ما نشان دادیم که میتوانیم باهم کار کنیم، میتوانیم متحدانه علیه اعدام بایستیم، میتوانیم کاری کنیم که رجایی شهر به استکهلم و تورنتو وصل شود و صدها نفر یکبار به حرکت در آمده و علیه اعدام دست به دست هم دهند.



این واقعه مهم بود این واقعه در تاریخ مبارزه علیه اعدام ثبت شد. همه دست به دست هم دادیم. در نروژ و سوئد و فنلاند در آلمان و کانادا و تهران و در همه جا برای نجات جان یک دختر جوان در مقابل با ماشین جنایت حکومت اسلامی.

ریحانه امروز به آفتاب سلامی مجدد کرد و ما همه کسانیکه دویدیم و گریه کردیم و هیجان داشتیم که نکند فردا خبر شوم را بشنوم نیمه شب با تیریک گفتن به هم، این روز را تمام کردیم و سه شنبه ۳۰ سپتامبر همه ما سلامی مجدد به آفتاب کردیم به آفتاب مبارزه متحدانه علیه قتل عمد دولتی.

زنده باد همه کسانیکه فعالیت کردند و زنده باد جنبش علیه اعدام ما برای نجات ریحانه و آزادی او کمپین را فعالانه تر ادامه خواهیم داد.

مینا احدی کمپین بین المللی نجات ریحانه جباری ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۴

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام با هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تشییع بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۵۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
۴۹۰۰ Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:
Bank: RABOBANK
Durandc hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarounsh
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوانی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:
سپاسگام بهار ی: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

تورویکی از کاندیداهای جنبش گوران در شهر اربیل!

طبق خبری از شهر اربیل صبح روز ۲۹ سپتامبر لانه عبدالله که دو بار جز کاندیداهای جنبش گوران (تغییر) برای پارلمان بوده ترور می شود. این خبر می افزاید، روز ۲۹ سپتامبر ساعت هشت و نیم صبح در یکی از محلات شهر اربیل، هنگامی که لانه در راه به روی کسانی باز می کند که در خانه اش را زده بودند مورد تیر اندازی قرار می گیرد و جانش را از دست می دهد. هنوز از علت ترور این کاندید زن جنبش گوران اطلاعی در دست نیست.

کشتن بیش از ۱۰۰ نفر از نیروهای داعش در سه منطقه!

روز ۲۹ سپتامبر فوراً نیوز وابسته به پ کاکا خبری را مبنی بر کشته شدن بیش از ۱۰۰ نفر از نیروهای داعش در ۲۴ ساعت گذشته را منتشر کرد. این خبر گزارشی به نقل از مقامات نیروهای مسلح در کردستان سوریه اعلام کرده اند که در ۲۴ ساعات گذشته در مناطق کوبانی، شنگال و ربیعیه ۱۰۰ نفر از نیروهای دولت اسلامی شام و عراق (داعش) کشته شده اند. همچنین در همین مدت اعلام شده که ۱۴ نفر از نیروهای یه په گ، یکی از احزابی که در کردستان سوریه علیه داعش می جنگد کشته شده اند. لازم به ذکر است که نیروهای جانیکار داعش از روز ۱۵ سپتامبر به بعد حمله بسیار وحشیانه ای را به کوبانی یکی از شهرهای کردستان سوریه آغاز کرده اند و تا کنون دهها هزار نفر از مردم این شهر از ترس جنایت داعشی ها شهر را ترک کرده اند و آواره شده اند. مقاومت و جنگ در برابر داعش در کوبانی هنوز هم ادامه دارد و تا روز ۲۹ سپتامبر اوپاشان داعش نتوانسته اند شهر را اشغال کنند و هم اکنون کوبانی به شهر فداکاری و مقاومت در مقابل داعشیان تبدیل شده و حمایت از کوبانی به یکی از خواسته های مردم بسیاری از کشورهای دنیا تبدیل شده که این روزها علیه داعش تظاهرات و اعتراض سازمان می دهند.

عراق صورت می گیرد. اختلاف و کشمکش حکومت اقلیم کردستان با دولت مرکزی بر سر مسائل مختلف و از جمله بودجه اقلیم، فروش نفت و مرزهای اقلیم کردستان در یکسال گذشته به اختلافی حل نشدنی تبدیل شده بود، اما با روی کار آمدن دولت جدید و تغییرات صورت گرفته از بعد از حمله داعش به عراق ظاهراً طرفین تلاش می کنند بر اختلافات فائق آیند و راه گفتگو و مذاکره را در پیش گرفته اند.

پرداخت دو ماه از حقوق کارمندان اقلیم کردستان!

روز ۲۹ سپتامبر آرام محمد معاون رئیس پارلمان عراق اعلام کرد که، وزارت دارایی عراق تأیید کرده که دو ماه از حقوق کارمندان اقلیم کردستان را بفرستد. او گفت هم اکنون وزارت دارایی منتظر دریافت تأیید این حقوق از طرف حیدر عبادی نخست وزیر عراق است.

دیدار وزیر دفاع آلمان از شهر اربیل

روز ۲۵ سپتامبر اوزرولافون دیرلاین وزیر دفاع آلمان وارد شهر اربیل شد و از طرف هیئتی از حکومت اقلیم کردستان مورد استقبال قرار گرفت. این دیدار به دنبال تعهد کشور آلمان برای کمکهای نظامی به اقلیم کردستان در جنگ با داعش صورت می گیرد و گفته می شود که همراه وزیر دفاع اولین محموله تسلیحاتی نیز وارد اقلیم کردستان شده.

اعتراض محمود عثمان سخنان مقامات حکومت اسلامی!

روز ۲۷ سپتامبر محمود عثمان یکی از نمایندگان پیشین پارلمان عراق ضمن اعتراض به سخنان مقامات حکومت اسلامی در رابطه با چگونگی کمک ایران به جنگ علیه داعش، از حکومت اقلیم می خواهد که سکوت نکنند و جواب مقامات حکومت اسلامی را بدهند. لازم به ذکر است که بعد از حمله داعش به عراق و کنترل شهر موصل و بخشهای زیادی از عراق، مقامات رژیم اسلامی اعلام کرده

کارنامه سیاه حکومت جنایت کار اسلامی و مقامات کثیف آن، سپاه پاسداران و قرارگاه رمضان بوده است. تنها یکی از جرائم حکومت اسلامی تیر اندازی و کشتن سالانه دهها نفر از مردم بی دفاع مناطق مرزی که به ناچار و برای بدست آوردن لقمه نانی مجبورند شبانه مرزهای دو کشور را در نوردند و به شغل بسیار پر مشقت کولبری روی آورند. اگر قرار باشد تسهیلی در کار رفت و آمد شهروندان قرار بگیرد، اگر قرار باشد امنیت و آسایش به مناطق مرزی برگردد، اگر قرار باشد دیگر هیچ کودک و جوانی روی مین نرود، آنگاه باید برای سرنگون کردن حکومت اسلامی و برچیدن همه ارگانهای سرکوبگرش و از جمله قرارگاه رمضان و سپاه پاسداران به میدان آمد، وگرنه هیچ قرار داد و تعهدی نمی تواند حکومت دزدان و قاتلان اسلامی را از خونریزی بازدارد.*

رسمیت دادن به بازار مرزی سردشت، قلعه دیزه!

به منظور رسمیت دادن به گمرک مرزی قلعه دیزه با شهر سردشت، هفته گذشته هیئتی از مقامات شهر قلعه دیزه برای مذاکره با مقامات حکومت اسلامی وارد شهر سردشت شدند. در این ملاقات توافقنامه ای برای بازگشایی رسمی مرز قلعه دیزه، سردشت به امضای فرماندار شهر سردشت و هیئت اقلیم کردستان رسید و مقامات حکومت اسلامی قبول کردند که بازارچه ای مشترک را درست کنند و مینهای سر راه را پاکسازی کنند. همچنین مورد دیگری از این توافقنامه کمک قرارگاه رمضان وابسته به سپاه پاسداران برای تسهیل کردن رفت و آمد شهروندان دو طرف است؟ لازم به ذکر است که مین گذاری، تیراندازی به مردم بی دفاع، جنگ و خونریزی در مرزهای ایران با اقلیم کردستان جزئی جدای ناپذیراز

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!